



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

جدیدترین چاپ گلستان که البته بر پایه نسخه فروغی است چاپ
استاد منوچهر دانش پژوه است که انتشارات هیرمند مباشر طبع و نشر
آن است .

کتاب با حروف پیش رفته و چشم نواز با کاغذ و چاپ جلدی بسیار
مرغوب در ۳۸۰۰ نسخه چاپ شده است . توضیحات مختصر و مفید
استاد در پانوشت صفحات کار خواننده را آسان کرده و تقریباً او را از
مراجعه به منابع بی نیاز می کند ، مخصوصاً که این حواشی در پانوشت
صفحات قرار دارند نه در بخش پایانی کتاب . مقدمه مفید کتاب
مخصوصاً مقایسه کوتاهی که میان **گلستان** و **اخلاق ناصری** صورت

گلستان سعدی یکی از برجسته ترین شاهکارهای نثر کلاسیک
پارسی و بی نیاز از هرگونه شرح و تعریف:
آفتاب آمد دلیل آفتاب

گر دلالت باید از وی رو متاب
و درست به همین دلیل است که بارها جامه طبع پوشیده و چاپ های
متعددی از آن به بازار عرضه شده است از قبیل چاپ استاد عبدالعظیم
قریب ، فروغی ، دکتر برات زنجانی و دیگران . عده ای از فضلا نیز به
شرح و توضیح مشکلات آن پرداخته اند همچون دکتر خزائی و دکتر
یوسفی و نورالله ایزدپرست و دکتر انوری و دیگران .



دکتر اسماعیل تاج بخش

نوشته‌های منثور سعدی است با توضیحات لازم و ضروری. بی‌گمان این کتاب بهترین منبع برای دوستداران سعدی و ادب‌دوستانی است که می‌خواهند با گلستان آشنا شوند و در سفر و حضر از سخن دلنشین خنایند سخن پارسی شیرین کام و بهره‌یاب گردند و نیز مناسب‌ترین متن برای درس «گلستان» در دانشکده‌های ادب فارسی. این کمترین در عرض چند روز در آن تورقی کرده و مطالعه‌گذاری داشته و یادداشت‌هایی فراهم آورده است که با اجازه استاد بزرگوار آنها را اینجا می‌آورد و پیشاپیش به صراحت عرض می‌کند که این گونه نکته‌ها - تازه اگر حقیر در ظن خود مصیب باشد - از ارزش کار استاد و ناشر محترم و

گرفته از دیگر مزایای کتاب است. البته قبلاً این کار را دکتر حناد عادل به صورت کوتاه و گذرا انجام داده‌اند؛^۱ به علاوه سیاهه‌های متعدد در پایان کتاب از قبیل نمایه اشعار و اعلام گوناگون. امتیازی که مخصوص این چاپ از گلستان است و چاپ‌های دیگر فاقد آن‌اند، آوردن

مجموعه سخنرانی‌ها

کتاب ماه ادبیات و فلسفه / اسفند ۱۳۹۳ و فروردین ۱۳۹۴

زحمتی که متحمل شده اند ابتدا نمی‌کاهد و اگر صلاح و صواب بدانند در چاپ‌های دیگر برخی از این نکات را اعمال کنند، ممنون آنان خواهیم بود.

ص ۲۵۶ سطر ۴ از آخر: عبدالصنم اند ← عبدالصنمند
ص ۲۲ سطر ۵: نامگذاری ← نام‌گذاری

ابیات و عبارات فارسی الف - قواعد نگارشی

قواعد نگارشی امروز بر پایه مصوبه فرهنگستان ۲ در جای جای کتاب رعایت شده است، برای یکنواخت بودن، موارد زیر پیشنهاد می‌شود و البته اجباری در پذیرفتن آنها نیست.

۱- منفصل نوشتن فعل ربطی «است»: ص ۱۰ سطر ۲ (و ص ۲۵۳ پاورقی ۵): آنست آن است
ص ۷۴ سطر ۳ از آخر: ختمست ← ختم است
ص ۱۴۲ سطر ۲ از آخر: نازک اندامست ← نازک اندام است
و همین‌گونه است ص ۱۴۳ سطر ۳: ماه روییست؛ ص ۱۶۷ سطر ۳: منست و ص ۲۶۶ پاورقی ۲: اینست

۲- انفصال «که» ربطی و «تر» تفضیلی و حروف اضافه از متمم
ص ۶۷ سطر ۲: هر کرا ← هر که را
ص ۱۱۰ سطر آخر و ص ۱۹۱ سطر ۵: اولیتر ← اولی تر
و ص ۱۵۲ پاورقی ۸ سطر ۲: کاملتر ← کامل تر
ص ۱۳۳ سطر ۳: بخیر ← به خیر
موارد متفرقه؛ ص ۹۲ پاورقی ۵: بارانزا ← باران‌زا
ص ۱۰۵ پاورقی ۲: اعلی ← اعلا
ص ۱۴۷ پاورقی ۳ سطر ۲: بدینگونه ← بدین گونه
ص ۱۶۵ پاورقی ۸: یکجا ← یک جا

ب - نکات معنایی ابیات و عبارات فارسی

۱- ص ۳۰ پانویشت ۲ فرس زمردی: کنایه از سبزه و چمن ← استعاره است نه کنایه.

۲- ص ۳۱ پانویشت ۸ «ماعبدناک حق عبادتک»: نستودیم تو را ← «عبادت نکردیم / نپرستیدیم» به جای «نستودیم» دقیق تر است.
۳- ص ۳۴ سطر ۹ پاورقی خوشه‌چینی: گدایی کردن ← کنایه از گدایی کردن.

۴- ص ۳۶ پاورقی ۵ قُضبان: شاخه درخت ← جمع قضیب است به معنی شاخه‌ها.

۵- ص ۳۶ پاورقی ۱۰ خرده مینا: کنایه است از سبزه‌های آبی رنگارنگ ← استعاره است از گل‌ها و شکوفه‌ها و سبزه‌های رنگارنگ.

۶- ص ۳۶ پاورقی ۱۱ عقد ثریا: خوشه انگور ← سعدی چند سطر قبل می‌گوید «... در فصل ربیع که صولت برد آرمیده بود و ایام دولت ورد رسیده...» یا «اول اردی بهشت ماه جلالی...» و پرواضح است که اردی بهشت ماه خوشه‌های انگور شیراز حتی غوره هم نیست تا مثل ستارگان بدرخشند. به نظر می‌رسد اینجا عقد ثریا استعاره از شکوفه‌های سپید بهاری باشد که چون خوشه‌های پروین بر شاخه‌ها می‌درخشند.

۷- ص ۳۷ پاورقی ۶ در ترجمه «جمال الانام» آمده: ... زیبایی مردمان ... ← مایه زیبایی [سیرت و صورت] مردمان دقیق تر به نظر می‌رسد نه اینکه خود ممنوح زیبا باشد.

کعبه

۱۵- ص ۲۳۹ بیت ۳ مصراع دوم به صورت «سحر بی وقع نماید بر اعجاز کلیم» ← سحر بدون کسره باید باشد. «سحر» نهاد جمله است. ۱۶- ص ۲۳۱ پاورقی ۴ املائی «سریرت» به صورت «سریره» ارجح است.

۱۷- ص ۲۴۱ پاورقی ۱، در توضیح «... آن اطلس پوش والضحی...» که توصیفی از رسول اکرم (ص) است آورده‌اند: «آن که اطلس و جامه نور را بر تن روز پوشانید» ← منظور سعدی این است که پیامبر «والضحی» را که چون جامه اطلسی بود به تن کرده است یعنی این سوره درباره او نازل شده است زیرا جواب این قسم‌ها در قرآن کریم خطاب به پیامبر (ص) است که ما وَدَّعَكَ رَبِّكَ و ما قَلَى .

نکات استحضاری

۱. ص ۳۱ پانویس «ما عرفناك حَقَّ معرفتك» را - همان گونه که معروف است - کلام نبوی دانسته‌اند. علامه طباطبایی تصریح می‌کند که آن حدیث نبوی نیست و در مجامع روایی نیامده است (در محضر علامه / ۲۰۶)

۲. ص ۶۰ سطر ۳ از آخر:

چه جرم دید خداوند سابق الانعام

که بنده در نظر خویش خوار می‌دارد
و در پانویس ۶ «سابق الانعام» را به معنی پیشی گیرنده در بخشش معنی فرموده‌اند. ← آقای مصطفی ذاکری پس از بحث مستوفایی «سابق الانعام» را اینجا درست می‌دانند به دلیل آیه «أَسْبَغَ عَلَيْكُمْ نِعْمَهُ» (لقمان / ۲۰) جهت مزید اطلاع ← نشر دانش سال، ۱۷، شماره ۳، ص ۲۴ در مقاله‌ای با عنوان «بررسی چند واژه و ترکیب در دیوان

۸- ص ۴۶ پاورقی ۸ «... گویند اصحاب کعبه هفت تن بودند...» ← در قرآن کریم نقل قول اقوام گذشته درباره تعداد اصحاب کعبه آمده که سه یا پنج یا هفت تن بوده‌اند اما خود پروردگار از نقل تعداد دقیق آنها ساکت است: قُلْ رَبِّي أَعْلَمُ بِعَدَّتِهِمْ (کعبه - ۲۲)

۹- ص ۸۲ پاورقی ۴ واژه «تأمل» توضیح داده نشده است.
۱۰- ص ۸۲ پاورقی ۱۰ در معنای «می‌نمایند و می‌ریابند» مرقوم فرموده‌اند: «حق نمایان می‌شود و دل عارف را می‌ریابد» ← معنایی است صریح و صحیح؛ اما جمله ایهام‌انگیز است و معنای دیگر اینکه [زیبارویان عالم بالا = شاهدان غیبی] را به عارف نشان می‌دهند ولی بی‌درنگ آنها را به پرده استتار می‌برند. بیت بعد نیز این معنی را تأیید می‌کند.

۱۱- ص ۱۰۸ پاورقی ۱ همامان برادر فرعون معرفی شده است، این شخص وزیر و مشاور فرعون است قرآن، ترجمه خرمشاهی / ۲۸۶ (پاورقی).

۱۲- ص ۱۲۴ پاورقی ۳ درباره بکتاش نوشته‌اند: «بزرگ ایل» ← این واژه ترکی است: بک (= بیگ) + تاش (= داش) که پسوند مشارکت است و مجموعاً یعنی هم بیگ، غلامانی که از یک سرور فرمان بگیرند. خیل‌تاش نیز یعنی سربازانی که در یک خیل (= سپاه) خدمت می‌کنند. ظاهراً بکتاش و خیل‌تاش از رتبه‌های ارتش بوده‌اند نظیر سرگرد و سرهنگ امروز.

۱۳- ص ۱۴۵ پانویس ۷ واژه «بخوشانیدی» به «خشکانید» معنی شده است که دقیق‌تر آن «می‌خشکانید» است.

۱۴- ص ۱۶۷ پانویس ۵ نوشته‌اند: «معرب پیاده، بیادق جمع بیبق است» در حالی که بیبق معرب پیاده است که بیادق جمع بسته شده است.

سعدی».

۳. ص ۹۶ در بیت «ازین مه پاره‌ای ، عابدفریبی ...» نوع «از» شایسته توضیح است که پیش از صفت برای بیان جنس بوده است و معمولاً صفت را بعد از آن با یای نکره می‌آورده‌اند ← **سبک‌شناسی** بهار ، ج ۱ ، ص ۳۷۰؛ یوسفی / ۳۶۳ ، خطیب رهبر / ۲۰۸ و لغت نامه دهخدا ذیل «ازین» .

۴. ص ۹۶ سطر ۸ در بیت:

«هم چنان از نهیب برد عجزوز

شیر ناخورده طفل دایه هنوز»

درباره «طفل دایه» تحقیق آقای مصطفی ذاکری حائز اهمیت است که «وايه» را به جای دایه درست می‌دانند به معنی داربست که شاخه‌های مو را به روی آن می‌انداختند و «طفل وايه» استعاره از شاخه‌های درخت انگور یا جوانه‌های انگور (= غوره) است ← نشر دانش سال ۱۷ ، شماره ۳ ، ص ۱۸ و ۱۹ .

۵. ص ۹۷ سطر ۶ در مصراع دوم بیت فارسی: «به غسل در بماند پای مگس» به نظر منظور از مگس در این گونه موارد مگس نحل (= زنبور غسل) است نه مگس معمولی . سعدی در جای دیگر می‌فرماید: اینک عملی دوخته باشد مگس نحل

شهد لب شیرین تو زنبور میان را

۶. سطر ۹۹ در بیت «عاملی را که گفت باشد و بس» ، «و بس» قید انحصار است به معنی منحصرأ .

۷. ص ۱۴۷ بیت «طبع تو را تا هوس نحو کرد ...» توضیح داده نشده . ای کاش اشاره می‌فرمودند که «را» بعد از تو ، رای مسندالیپهی است (= تا طبع تو هوس نحو آموختن کرد) ← یوسفی / ۴۴۸ .

عبارات و اشعار عربی

الف - سهواً القلم‌های شکل و اعراب

در این قسمت واژه‌هایی که شکل یا اعراب آنها نادرست ضبط شده است با صورت درست آنها آورده می‌شود و به خاطر پرهیز از اطاله کلام از ذکر نقش نحوی این واژه‌ها خودداری شده است . خواننده محترم خود با تطبیق می‌تواند درستی صحبت‌های بنده را دریابد .

۱. ص ۳۳ سطر ۳ پانوشت: سکران ← سکران

۲. ص ۴۱ سطر ۴: سنور ← سنور

۳. ص ۸۱ سطر ۲ از آخر: کفیت اذی ← کفیت اذی

۴. ص ۸۸ سطر ۴: مَعْن ← مَعْن

۵. ص ۹۰ حکایت اول سطر ۱۳: اسراری و اعلانی ← اسراری و اعلانی

۶. ص ۹۶ سطر ۳ از آخر: ساقی ← ساقی

۷. ص ۹۶ سطر ۲ از آخر: مستسقی ← مستسقی

۸. ص ۱۱۵ سطر ۳: أملاء ← أملاً

۹. ص ۱۴۲ سطر اول حکایت: مُرد ← مُرد

۱۰. ص ۱۴۷ سطر ۳: زید ← زید

۱۱. ص ۱۴۷ پاورقی ۳ سطر ۲: ان ← انا

۱۲. ص ۱۵۰ سطر ۱: معافا ← معافی

۱۳. ص ۱۷۱ حکایت دوم سطر اول: أعنا ← اعدی

۱۴. ص ۱۷۸ سطر ۹: یتوکل ← یتوکل

۱۵. ص ۲۰۵ سطر پایانی: ترید ← ترید

۱۶. ص ۲۳۰ سطر اول: أخذ، أعطی ← أخذ، أعطی

۱۷. ص ۲۳۱ سطر ۱۳: آبر ← آبر

۱۸. ص ۲۴۰ بیت ماقبل آخر: خیر، الحی ← خیر، اخی

۱۹. ص ۲۴۱ سطر ۵: الیوم ← الیوم

۲۰. ص ۲۴۱ بند ۳: یغلب ← یغلب

۲۱. ص ۲۴۱ بند ۳: یتجهز ← یتجهز

۲۲. ص ۲۴۵ سطر ۱۴: مئل ، ملاء ، استیقظ ← مئل ، ملاء ، استیقظ

۲۳. ص ۲۴۵ سطر ۱۵: غافر ← غافل

۲۴. ص ۲۴۷ سطر ۱: تارة ← تارة

۲۵. ص ۲۴۷ سطر ۱۴: الله ← لله

۲۶. ص ۲۴۹ سطر ۱۲: تبین ← تبین

۲۷. ص ۲۴۹ سطر ۱۷: یخفف ← یخفف

۲۸. ص ۲۴۹ سطر دم از آخر: مقرین ، انزلنا ← مقرین ، انزلنا

۲۹. ص ۲۵۰ سطر ۱: خاتم ، رسول ← خاتم ، رسول

۳۰. ص ۲۵۰ سطر ۴: لم یبال ← لم یبال

۳۱. ص ۲۵۱ سطر ۶: ضربان ← ضربان

۳۲. ص ۲۵۳ سطر ۲ و ۳ از آخر: لم یستقر ← لم یستقر

۳۳. همان سطر ۲: مع اسمک ← مع اسمک

۳۴. ص ۲۵۵ سطر ۳: نائم ← نائم

۳۵. ص ۲۵۸ (مجلس پنجم) سطر ۲: غفرانک ← غفرانک

۳۶. ص ۲۶۰ سطر ۸: عبدالفهان ← عبدالفهان

۳۷. همان پاورقی سطر ۱: مخلصین ← مخلصین

۳۸. ص ۲۶۴ سطر ۷: رکعتان ← رکعتان

۳۹. ص ۲۸۰ سطر ماقبل آخر: تعرضوا ← تعرضوا

ب - نکات معنایی

۱. ص ۹۳ سخن پیامبر به ابوهیره «زرنی غیاً تزدد حبا» چنین ترجمه شده است: «ای ابوهیره ، یک روز در میان بیا تا محبتت زیاد شود» ← معنای دقیق‌تر شاید این باشد... تا محبتم بر تو زیاد شود / تا محبت تو در دل من فزونی یابد .

۲. ص ۲۱۱ سطر ۱ در ترجمه عبارات «الحمد لله الكافي حسب الخلاق وحده...» آورده‌اند: «سپاس خدای را که بسنده است اندازه آفریدگان یکتاییش را...» ← سپاس مخصوص خداست که کفایت کننده امور بندگان است و به تنهایی [امور مخلوقات را] کفایت می‌کند .

۳. ص ۲۳۲ پاورقی ۳ شعر منسوب به ابن سینا از شرح دکتر خزائی به صورت «تُبَ اَلینا فَاَنَا بِشِرِّ ...» ضبط شده است . که «تب علینا ...» درست است . فعل «تاب» اگر با «الی» استعمال شود به معنی توبه کردن است و اگر با «علی» استعمال شود به معنی توبه‌پذیری . منظور شاعر این است که توبه ما را بپذیر .

۴. ص ۲۴۰ بیت عربی این‌گونه ضبط شده است:

«والی علی احبابه اصناف لطف احسابه

یا سوء کام بلا به بمراسم الکرّم الاعم»

عارض کمال این مرد بزرگ» (شعر العجم، ج ۲، ص ۲۵)
 هرچند به قول علی دشتی «دلیل وجود برخی حکایات غیراخلاقی
 در گلستان، شیوع انحراف‌های مرسوم اجتماع زمان سعدی است»
 (قلمرو سعدی / ۲۲۴).

و در پانوشت ۱ نوشته‌اند: «دوست دارد دوستانش را، انواع کرم
 حب‌های اوست، مصراع دوم این بیت تصحیح شده نیست به نظر
 می‌رسد کلماتش این چنین نباشد» ← حقیر گمان می‌کند که صورت
 درست بیت این گونه باشد:

والی علی احبابه اصناف لطف سحابه (یا حسابه)

ساواکم یا لاته بمراسم الکرم الاعم
 ساواه به: سَوَاهِ به، عَدَل (اقرّب الموارد) یعنی: انواع لطف ابر گونه او
 بر دوستانش نشانه مهر و عطوفت اوست و در مراسم کرم همگانی
 نعمت‌هایش را به طور مساوی میان شما تقسیم کرده است.

۵. ص ۳۴۰ بیت ۶ «نعت النبی المصطفی لما عفی رسم الصفا /
 تهدی به اوصافنا بر شاده سبل الاعم» این گونه معنی شده است: «خداوند
 پیامبر برگزیده را شناساند، آن گاه که رسم صفا برفتاد، حالات ما به

پانوشت‌ها:

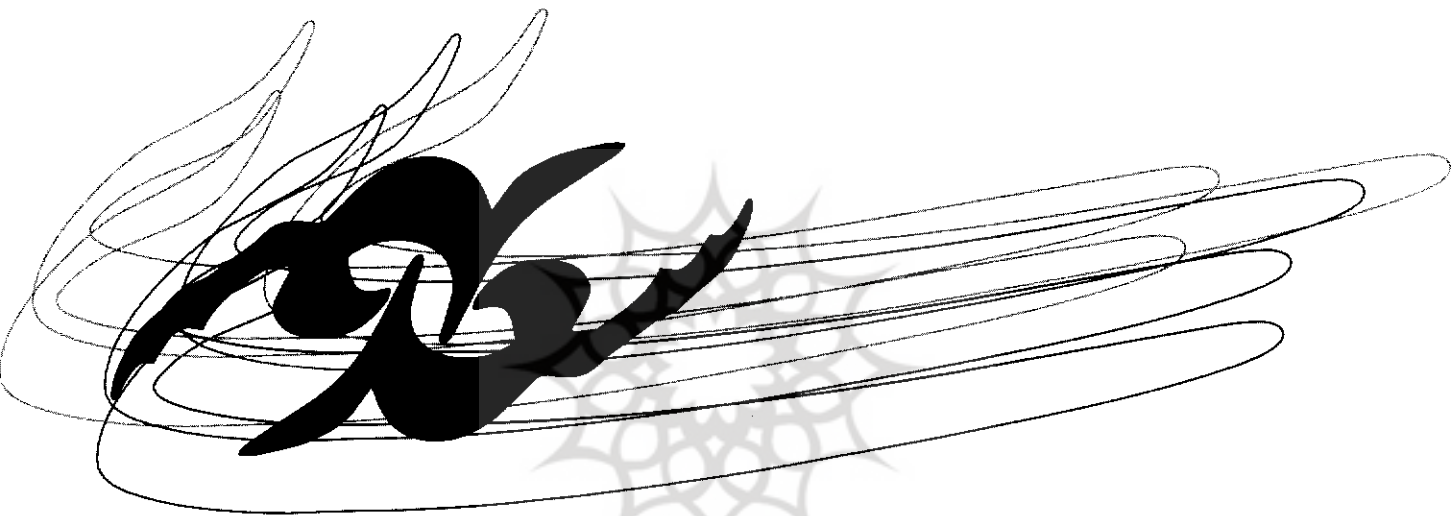
* عضو هیات علمی دانشگاه علامه طباطبایی

۱. مقایسه‌ای میان گلستان و اخلاق ناصری، ... ذکر جمیل سعدی ۴۰۵/۳ تا ۴۱۵.

۲. دستور خط فارسی مصوب فرهنگستان زبان و ادب فارسی، فرهنگستان زبان و

ادب فارسی، تهران: ۱۳۸۲.

۳. در محضر علامه، ۲۰۶.



منابع:

۱. دشتی، علی: قلمرو سعدی، امیرکبیر، تهران: ۱۳۵۶.
۲. خوری، شرتونی، سعید: اقرّب الموارد فی فصیح العربیه و الشوارد، بیروت: ۱۸۹۴.
۳. خطیب رهبر، خلیل: دستور زبان فارسی، کتاب حروف اضافه و ربط، سعدی، تهران: ۱۳۶۷.
۴. سعدی، گلستان، دکتر حسن انوری، قطره، تهران: ۱۳۷۷.
۵. کمیسیون ملی یونسکو و وزارت ارشاد اسلامی: ذکر جمیل سعدی، وزارت ارشاد اسلامی، تهران: ۱۳۶۴.
۶. خرمشاهی، بهاء‌الدین: [مترجم]: قرآن کریم، جامی، نیلوفر، تهران: بدون تاریخ.
۷. شبلی نعمانی: شعر العجم، ترجمه فخر داعی گیلانی، تهران، دنیای کتاب: ۱۳۶۳.
۸. رخ شاد، محمدحسینی: در محضر علامه طباطبایی، نهایندی، قم: ۱۳۸۰.
۹. ذاکری، مصطفی: نشر دانش، سال ۱۷ شماره ۳.
۱۰. بهار، محمدتقی، سبک‌شناسی (ج ۳)، امیرکبیر، تهران: ۱۳۳۷.
۱۱. سعدی، گلستان: تصحیح و توضیح دکتر غلامحسین یوسفی، خوارزمی، تهران: ۱۳۶۸.
۱۲. سعدی، گلستان: معانی و واژه‌ها و شرح جمله‌ها از دکتر خطیب رهبر، صفی علی‌شاه، تهران: ۱۳۴۷.

وسيله او به راه هدایت همگانی رهنمونی یافت،» ← ستودن پیامبر
 برگزیده - در روزگاری که رسم صفا از میان رفته است - تعریف و
 ستایش‌های ما را به او هدیه می‌کند در برابر ارشاد او مردم را به راه‌های
 عمومی هدایت. گفتنی است که املائی «عفی» باید به صورت «عفا»
 باشد. ضمناً در پانوشت ۱ ص ۳۳ بیت دوم به صورت «والا انا اقرّب ائدی
 کنت فی یدی» ضبط شده است که «... فی ید» یا «فی الید» درست است
 زیرا «می» در اینجا کسره اشباع شده است نه ضمیر متکلم وحده.

سخن آخر اینکه ای کاش فهرست مقالات مفید و قابل استفاده
 درباره گلستان را با ذکر دقیق نشانی آنها در یک دو صفحه معرفی
 می‌فرمودند. این مقالات را می‌توان از کتاب بسیار ارزشمند فرهنگ
 سعدی پژوهی - از دکتر کاووس حسن لی - استخراج کرد. ضمناً
 آوردن مجالس هزل دست کم به صورت به گزینی بهتر نبود؟ همان گونه
 که مرحوم فروغی با آنکه آنها را از سعدی می‌دانست چاپ آنها را شایسته
 ندیده است، انگار شیرازی بودن و شیفتگی شدید استاد به سعدی عامل
 این کار بوده است. در اینجا سخن شبلی نعمانی درباره شاهدبازی در آثار
 سعدی شاهد خوبی برای گفتار می‌تواند باشد: «... حسن پسندی به
 امردبازی کشیده است و طوری هم آن را بی‌پرده ظاهر و آشکار می‌سازد
 که نمی‌شود آن را به زبان آورد و گفت، بی‌شبهه اینها لکه‌ای است بر